



مرد عبوس چهره به یارانِ خویش گفت

یک انفجارِ سرخ مساوی‌ست با بهشت

یحیی جواهری

منبع: مجله هفت‌قلم

ثقافت اسلامی تنها مضمونی است، که به موجب ارزش و اهمیت آن برای همه دانشجویان در نظر گرفته شده است، ولی تا جایی که کتاب هائی درسی دانشجویان نشان می دهد، مضمون "ثقافت اسلامی" از نداشتن موضوعی مناسب و جذاب عذاب می کشد.

درسال هائی که دوره ثانوی مکتب در ۱۳۵۴-۱۳۵۸ سپری می کردم، مضامین تفسیر شریف و دینیات چندان جدی گرفته نمی شد، و در بیشتر موارد تدریس این مضامین به استادانی سپرده می شد، که در کار شان چندان جدی و برجسته نبودند. بی‌اعتنائی و سهل‌گیری در مضامین دینی تا آن پیمانہ بود، که شاگردان از ناحیه ی

آن مضامین خیال راحت داشتند، ناکامی در آن مضامین وجود نداشت. خدا نکند که وضع مضمون "ثقافت اسلامی" در دانشگاه‌ها به همان منوال بوده باشد!

باروی صحنه آمدن دولت اسلامی افغانستان در ۱۳۷۱ هـخ به منظور اسلامی سازی دانشگاه‌ها مضمون ثقافت اسلامی در کلیه موسسات تحصیلات عالی در نظر گرفته شد و از آن زمان تا امروز این مضمون، تدریس می گردد، اما بصورت پریشان، غیر معیاری و در بسیاری موارد، دور از اصل موضوع. وقتی عملکرد انقلابی‌های ایران و افغانستان را به مقایسه می‌گیریم، تدبیری که در افغانستان روی‌دست گرفته شد، به مراتب اعتدالی و میانه‌روانه بود، زیرا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای یکسال دانشگاه‌ها مسدود گردید، نهادی کلیه مضامین درسی دانشگاه‌ها را تحت نظارت و ارزیابی قرارداد و استادانی را بنام ضد انقلاب از وظیفه سبک‌دوش کرد.

در حالی حاضر مباحثی که در زیر عنوان "ثقافت اسلامی" در دانشگاه‌های افغانستان تدریس می گردد، بسیار متنوع و و به زبانی دیگر دایره‌المعارفی است؛ به گونه‌ای که در آن موضوعاتی همچون "جهان بینی اسلامی"، "نظام سیاسی اسلام"، "قرآن و علوم امروزی"، "نظام اخلاقی اسلام"، "نظام اجتماعی اسلام"، "فلسفه عبادات و با عبادت شناسی اسلامی" و نظایر آن دیده می‌شود. از یکسو هیچ یک از این مباحث به اصل موضوع که فرهنگ و ثقافت در اسلام است، نمی پردازد، از سوی دیگر، نیازهای اساسی نسل امروز نادیده

## تصمیم‌گیری؛

## گام اول موفقیت

تصمیمات ما زندگی ما را شکل می دهند. "آیا باید کارم را عوض کنم؟"، "کجا باید زندگی کنم؟"، "پولم را چطور سرمایه گذاری کنم؟" تصمیم‌گیری یکی از اصلی‌ترین مهارت‌ها در زندگی است و همه ما می‌توانیم در آن پیشرفت کنیم. در این مقاله، رویکردی بسیار ساده و سیستماتیک برای اتخاذ تصمیمات درست تر و هوشیارانه تر به شما معرفی می‌کنیم.

بهترین مدل موجود برای تصمیم‌گیری

این رویکرد بهترین مدل تصمیم‌گیری موجود است که به شما کمک می‌کند هر دو جنبه عینی و ذهنی موقعیت را ببینید و از همه وقایع، نقطه نظرات، باورها و توصیه‌ها استفاده کرده و بهترین تصمیم ممکن را بگیرید.

۵ عنصر اصلی این رویکرد از قرار زیر است:

\*\*\*مشکل‌یابی

\*\*\*اهداف

\*\*\*گزینه‌ها

\*\*\*نتایج

\*\*\*سبک‌سنگین کردن‌ها

در این روش هر یک از ۵ عنصر بالا باید جداگانه بررسی شود و از آنها برای روشن کردن و مرتب کردن افکارتان استفاده کنید. اجازه بدهید نگاهی به هریک از این عناصر بیندازیم.

مشکل‌یابی

پشت هر تصمیمی که می‌گیرید، سعی دارید که مشکلی را حل کنید. طریقه عنوان کردن مشکلاتان، چارچوب تصمیم شما را مشخص می‌کند و جایگزین‌هایی که در نظر می‌گیرید و طریقه ارزیابی آنها را تعیین می‌کند. مطرح کردن صحیح مشکل اهمیت بسیار زیادی دارد چون روی کلیه افکار بعدیتان اثر می‌گذارد.

با این وجود بسیاری از ما این مرحله را کلاً نادیده می‌گیریم. عنوان کردن مشکلات کار ساده‌ای است. هرچه مشکلاتان بهتر تعریف شود حل کردن آن ساده‌تر خواهد شد.

برایتان یک مثال می‌زنم. یکی از دوستانم علاقه زیادی به کار کردن در شرکتی داشت که آنجا استخدام... **ادامه در برگ (۴)**



گرفته شده و در طرح این مسایل باید سستی و کلاسیک نگریسته شده است. به صورت نمونه در بحث "نظام سیاسی اسلام" سخن از امیر المومنین، خلیفه امیر رفته و مواصفات آن بیان شده است؛ و از مسایل مهمی مانند انتخابات، رای عامه، پارلمان، احزاب سیاسی و نهاد های مدنی در آن یاد ی به عمل نیامده است. با این صورت، مضمون "ثقافت اسلامی" به دانشجویان چه چیزی را می‌خواهد القا بدارد؟ و از همین جاست که بسیاری از دانشجویان ادغان می‌دارند، که ثقافت اسلامی، حرف تازه‌ای ی ندارد و به قناعت دانشجویان نمی‌پردازد، لذا نمی‌شود، از کنار این موضوع اساسی بی‌در دانه رد شد.

در مبحث "جهان بینی اسلامی" به مسایل عقیدتی مانند توحید، اسما الله الحسنى، شرک و انواع آن اشاره رفته، آن هم از منظر سلفی‌ها که در آن، استدلال عقلی سهمی را دارد. از جانبی هم مفاهیمی همچون ایدئولوژی، جهان بینی، مکتب، تضاد طبقاتی... ساخته و پرداخته مارکسیست‌ها اند، که از طریق ادبیات مارکسیستی در حوزه ی ما پخش گردیده است، بنابراین جا‌گزین ساختن "جهان بینی اسلامی" بجای "علم کلام اسلامی" خود جای سوال دارد.

در اوائل سده ی بیستم که بازار علم گرائی یا پوزیتویسم در کشورهای اسلامی رونق گرفت، برخی از اندیشمندان مسلمان از جمله "طنطاوی" بر آن شدند، تا نشان دهند که قرآن مجید، کتاب مقدس مسلمان‌ها سده‌ها پیش پیشگویی‌های علمی داشته است؛ لذا مسلمان‌ها از این رهگذر نه تنها چیزی کم ندارند، بل پیشگام این عرصه نیز می‌باشند. در ایران جعفر سبحانی و ناصر مکارم شیرازی چند عنوان کتاب در این باب به رشته تحریر در آوردند و سهم خود را ادا کردند، این گونه مباحث در دهه‌های پسین در میان روشنفکران مسلمان به یک مد تبدیل گردیده و هر یکی مساله ی از این قماش را به رخ دیگران می‌کشد، و بدین ترتیب از یکسو اظهار فضل می‌کند و از سوی دیگر، می‌خواهد پیششاری اسلام و مسلمین را به نمایش گذارد، اما افسوس و صد افسوس که این گونه برخورد با قرآن مجید نه تنها اند کمترین مشکلی از مسلمان‌ها را حل نکرد، بر عکس فهم نا درستی را نسبت به قران نیز ترویج داده، تا مسلمان‌ها همه‌گونه پرسش را به قرآن حواله بدارند و از آن پاسخ بجویند. تازه دیده می‌شود، که در دانشگاه‌های افغانستان قرآن و علوم دمروزی تدریس می‌گردد، آیا راستی با جدیت روی این مساله فکری صورت شده است؟

در مبحث "نظام اخلاقی اسلام" مولفین گرانقدر، میان اخلاق و حقوق، تفاوت نه نهاده اند، زیرا موضوعاتی همچون حق مسلمان با یکدیگر، حقوق و احترام شاگرد و معلم، حقوق اطفال و حقوق همسایه آمده است. افزون بر آن نویسندگان محترم، سرگردانی و دغدغه ی نسل حاضر را مورد عنایت قرار نداده اند، بنابر این چگونگی تفاهم و تعامل در عصر کنونی نا شگفته و نا گفته باقی مانده است. تلفون، تلویزیون، رسانه‌های اجتماعی، دانشگاه، موسسات کاری، نهادهای مدنی هر یکی در این عرصه پرسش‌های تازه خلق کرده اند، که در کتاب‌های پیشینا مجالی برای طرح آن نبود.

حالا که هستند، التفاتی به آن‌ها صورت نپذیرفته و بدین ترتیب مبحث اخلاق اسلامی از حد تذکر فرمایشات اندیشمندان پیشین، گامی به جلو نهاده است. یکی از بحث‌های دلچسپی که در زیر مجموعه ی ثقافت اسلامی تدریس می‌گردد، "خصایص کلی... ادامه در پایین همین صفحه

## از کُنج مسجد تا کُنج ارگ

ذهنی است که باعث فروکاهی هوشیاری در آدمی می‌گردد. «ما با تعقیب هدفی دیگر، با صحت و ناصحت بودن مطلب فوق کاری نداریم.

اما در جامعه‌ی ما جا و مقام این پدیده اغلبن مسجد و دست راست خداخوانان راستین بوده است، باگذشت زمان این حلقه‌ی «تسبیحی» با تغییر شکل، رنگ و کمیت در بین جوانان، ماهیت تزئینی و تفریحی را گرفته است، دیگر وسیله‌ی نه به خاطر ذکر و فکری با خدا بلکه اغلبن وسیله‌ی برای آرایش و نمایش جوانان گردید.

بعد از پیروزی مجاهدین و نیروهای مذهبی، که دیگر پطلونی وجود نداشت، تا موقع راه رفتن دست در جیبش کنند، و این حلقه‌ی سرگردان اهمیت سیاسی-مذهبی پیدا کرد، قوماندان‌های جهادی با اشتراک در محافل و گفت‌وگوها ذکر خدا را به جا می‌کردند وهم درد مردم را گوش.

اوج ارتقا و گذار این پدیده که اصلن پدیده‌ی مذهبی است از

## ثقافت اسلامی در حسرت مضمون و محتوا

عبدالحفیظ منصور  
اسلام" است. این بحث توسط دانشمند شهیر مسلمان یوسف قرضاوی نگاشته شده است. در بخش ثقافت اسلامی این اثر فشرده شده، بدون آن که نامی از قرضاوی برده شود، تدریس می‌گردد. وقتی حق یک نویسنده، آن هم در مضمون ثقافت اسلامی مراعات نمی‌گردد، در سایر موارد چه انتظاری غیر از آن می‌توان داشت؟ در مبحث "فلسفه عبادات" سعی بر آن شده، تا حقانیت عبادات اسلامی بر اساس مطابقت آن با نظریات و استنباطات علمی عصر حاضر سنجیده شود و بدین ترتیب به دانشجویان گفته می‌شود، که میان وحی الهی و دانش بشری سازگاری وجود دارد. نکته این است، که در موارد زیادی هنوز علم تجربی با دستایز دینی هماهنگی نشان نمی‌دهد، در آن صورت تکلیف امور دینی چه می‌شود؟ پرسش دوم این که، علوم تجربی هر روز، نظر تازه‌ای می‌آفریند، به سخن کارل پوپر، نظریات قبلی را نقد می‌دارد، و حرف تازه‌ای مطرح می‌سازد، زمانی ک اجتهاد علمی دگرگون می‌شود و آن رابطه عبادات اسلامی و استنباط علمی نیز برهم می‌خورد، در آن زمان چه توجیه می‌توان داشت؟ علاوه بر آن این مساله هنوز به قوت خود باقی است، که آیا می‌توان عبادات را با میزان عقلی تجربی ارزیابی کرد یا خیر؟ و آیا ارزیابی معجزات با قوانین علوم طبیعی امری درست و بجا است یا خیر؟

تا جایی که به یاد دارم، آن گاه که مضمون "ثقافت اسلامی" به دانشگاه‌ها اضافه می‌گردید. استدلال این بود، که در سالهای پسین اسلام یک دین ضد علم و



محب عزیز! خیلی‌ها رفتند؛ اما تو نباید می‌رفتی. اصلن تصورش محال است که تو را گلوله از ما گرفته باشد. نه. گلوله این توانایی را ندارد که نفس‌ات را ببرد. گلوله وقتی سوی تو آمد باید در برابر زیبایی‌ات، خنده‌ات، جوانی‌ات، شجاعت‌ات، رفاقت‌ات و دیگر اوصاف خوب تو ذوب می‌گردید؛ اما به یقین که گلوله این بار تا ابد خودش را شرمسار و روی‌سیاه کرده است. دیگر تو با خالقات پیوستی. و نفس تازه گرفتی. شهادتات مبارک. باور داریم که بی‌تردید، بهشت، انتظار تو را داشت. دست‌های پلیدی‌که ماشه را به سوی تو چکانده است خداوند با آن‌ها حساب کند. روح‌ات شاد، یادت گرامی و جایت بهشت برین.

مراحل تسبیحی و تفریحی به مرحله‌ی تذویری است. این مقامی است که تسبیح حتا در دوران ملا محمد آخوند به آن نایل نگردیده بود، گمان می‌رود که این درسی است که فرد اول کشوری اشتراک به انتخابات قبلی با لباس سیکولار و اخذ رای سه فیصدی از مردم گرفته است، اگر ریگی در کفش نیست، این همه رفتار کبک را رفتن چه معنای می‌تواند داشته باشد.

چهارده سال مکمل عرق شرم قره قل و چین را تحمل کردیم، حالا درگیر افتضاح لنگی و پطو و تسبیح هستیم، نه همیشه یک ریتوال مذهبی ساده باعث نجات انسان می‌شود بلکه گاهی محک تجربه هم به میان می‌آید، جامعه‌ی ما آنقدر فاقد مشکلات است که دیگر نیازی به قلم و دفتر و کتاب و کتابچه نیست. بلکه با تسبیح و سجاده غم آخرت مردم باید خورده شود.

نویسنده: نصرالله توفان

نشده است، در حالی که منابع فراوانی در این زمینه وجود دارد. افسانه فردا، گوشه ای از پیام تو، رساله ی در باره اخلاق و مقاله ی در مورد هنر از آثار علامه سلجوقی به شکل قسمی به این بحث مرتبط اند. تاریخ دعوت و اصلاح و انحطاط مسلمان‌ها دو اثر برجسته علامه ابوالحسن ندوی در همین زمینه اند. علی اکبر ولایتی کتاب فحیمی زیر عنوان فرهنگ و تمدن اسلامی در ۶ جلد دارد و فشرده آن در یک جلد نیز تدوین یافته است. کتاب مفید دیگری در این باب بنام "فرهنگ اسلامی" اثر مسجد جامعی است. علم و تمدن در اسلامی و نیاز های جوان مسلمان در عصر تجدد در کتاب سودمند سید حسین نصر و "علم در اسلام" از احمد آرام کتاب ارزنده ی است. و "تائق السیاسیه" اثر محمد حمید الله یکی از آثار گرانسنگ در زمینه است. "کار نامه اسلام" نوشته زرین کوب نوشته پربار دیگری در زمینه است. از آثار عبدالکریم سروش و مجتهد بیستری به وفرت می‌توان در این باب کار گرفت. از میان آثار مستشرقین در زمینه، تاریخ تمدن اسلام و غرب، نوشته ی گوستا و لوبون فرانسوی و جرحی زیدان شهرت بسزائی دارند. بانو پژوهشگری از جرمنی کتابی در این مورد زیر عنوان "فرهنگ اسلام در اروپا" دارد. که می‌توان از آن بهره ی فراوانی برد. این همه مشتای از خروار است، که با استفاده از آن‌ها می‌شود، موضوعی دلپذیر و سودمند تهیه دید و "ثقافت اسلامی" را از این وضعیت بیرون آورد. در حالی که سعی استادان "ثقافت اسلامی" را می‌شود، ستود، اما به هیچ وجه کافی ندانست و از باب همدردی و همنوائی، تلاش و مجاهدت بیشتر آن‌ها را انتظار برد، تا گامی بهتر در این راستای برداشته شود.

**سخن هیس!**

## جوانان غور پیرواحساسات یا عمل بر اساس تحلیل اوضاع اجتماع؟

چندین سال است که غور و غوری‌ها، بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌های زیادی را از سوی حکومت مرکزی دریافت می‌دارند. و بخش مهم این بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌ها بر می‌گردد به ارزان‌فروشی اربابان و بزرگان ما و غیر از این‌ها هیچ‌کسی دیگری مسوول نیست.

غور به شکل یک جزیره دورافتاده، هیچ سهمی رسمی‌ای غیر از اشتراک در انتخابات و سیاهی لشکر همه حکومت‌ها و یا چوب سوخت سیاسیون شمال، چیزی دیگری دستگیرش نشده است. با به وجود آمدن حکومت وحدت ملی انتظار می‌رفت که توجه حکومت به غور بیشتر گردد؛ ولی تا آنجایی که نیمی از عمر این حکومت گذشته، هنوز که هنوز است قطار تعهدات و وعده‌های انتخاباتی رهبران حکومت در غور نرسیده است.

از سوی دیگر، ما غوری‌ها خود مان مسوول همه‌ی بخت‌برگشتگی‌های خود استیم. ما با هیچ‌کسی حتا با خود خود و یا با غوریِ خود هم جور نمی‌آییم. جوانان ما که چشم و چراغ غور اند، شوربختانه بیشتری از این چراغ‌ها، روشنی‌بخش دهلیزهای تاریخ قومی و سمتی شده‌اند.

انتظاری که از این دسته جوانان غوری به عنوان افراد تحصیل‌کرده می‌رفت و می‌رود متأسفانه نایجا بوده است. زیرا آن‌ها بیشتر پیرو احساسات خود بوده اند تا عمل بر اساس تحلیل اوضاع اجتماع.

از کنار همه تظاهرات و تظاهرات‌ها که بگذریم، ما نمی‌خواهیم در این‌جا از کسی دفاع کنیم و یا کسی را زیر بار ملامت ببریم؛ اما تأسف می‌خوریم به حال غور و این چراغ‌هایی که انرژی شان را بیهوده صرف روشنایی می‌کنند. چون در آمدن/رفتن آقای توخی به صفت معاون ولایت غور تعدادی از جوانان ما با بی‌چشمی تمام، خاک بر چشم دیگر جوانان ما می‌زدند. ما و شما در صفحات فیس‌بوک شاهد آن بودیم. تعدادی از ایشان به هر نحوی که بود یا به صفت «دوستی و شناخت» یا به تعبیری «چاپلوسی» کردند و پیام تبریکی نوشتند؛ اما دیدیم که بعضی‌ها گاهی به نعل می‌زدند و گاهی به میخ، هم با توخی عکس یادگاری می‌گرفتند و هم با مخالفان توخی طرح بیرون کردنش از غور را برنامه‌ریزی می‌کردند که این کار شان را غیر از خنده بر منطق خود شان و خرید جمعی دیگران، دیگر هیچ تعبیری نمی‌توان کرد. زیرا این کار شان هیچ توجیهی ندارد. و همچنان بعضی‌ها عقده‌های شخصی خویش را در این زود و گیر، به بهانه‌های مختلف و استفاده از فرصت بالای جوان دیگری خالی کردند که خیلی ناعادلان و تأسف‌بار بود.

به هر حال خوب شد که آقای توخی آمد/رفت، اگر نه ما غوری‌ها سخت بی‌مضمون و بی‌سوژه مانده بودیم؛ برق داریم فضل خدا، خدا سایه‌ی بزرگان ما را از سر ما کم نکند سرک‌های ما جور است، امنیت ما تامین است، هیچ کسی در داخل شهر ترور نمی‌شود، چوپان و دهقان ما به راحتی و بدون ترس و وحشت به کار شان می‌پردازند، مسافرین ما با خیال راحت به هر جایی‌که خواسته باشند بدون آن که از دزدی‌ها و اخاذی‌های غیرقانونی بترسند سفر می‌کنند، شکر خدا همه‌چیز داریم غیر از معاون والی.

از این‌که آن معاون به دل ما نبود وی را دوباره فرستادیم به پیش رییس صاحب جمهور، حالی رییس صاحب جمهور لطف نمایند یک بار دیگر هم به غور بیایند و یک معاون «کاکه» و «خدمت‌گزار» را هم با خود بیاورند برای ما معرفی کنند و نیز آن عده از جوانانی‌که از دفعه‌ی قبل عکس سلفی شان خویش نیامده بود دوباره سلفی بگیرند و قناعت ما غوری‌ها را هم حاصل فرمایند.

قسمی که در اول تذکر دادیم که ما غوری‌ها با هیچ‌کسی جور نمی‌آییم؛ خوب هم می‌دانیم که ما غوری‌ها هیچ‌کسی را خوش نداریم، خوش داریم که سر و صدا و جنجال کنیم. خانم سیما جوینده از غور نبود؟ دکتر عبدالله هیواد از غور نبود؟ مولوی دین‌محمد عظیمی از غور نبود؟ دکتر محمدابراهیم ملک‌زاده از غور نبود؟ ما غوری‌ها خود ما در برابر همین‌ها ایستاد نشدیم؟ نگفتیم که ما این‌ها را نمی‌خواهیم؟ باید بدانیم که هر کسی از غور، از میرزازاده گرفته تا جمشید احمدی و استاد ساقی و استاد مبارز و حمیدی و اکبری‌ها تا خالقیار و دیگر غوری‌ها اگر معاون می‌شد باز هم ما غوری‌ها تظاهرات می‌کردیم، خیمه می‌زدیم، سر و صدا می‌کردیم، زنده باد و مرگ بر فلائی سر میدادیم و به جان هم می‌افتادیم.

خداوند ما را هدایت کند.

**محمدنذیرنصرت**

از آنجایکه در حکومت های مردم سالار حاکمیت ملی از آن مردم است و در طول تاریخ تلاشها و فعالیت های دانشمندان و مبارزان راه آزادی بر آن بوده است تا قدرت حاکمه از شکل فردی و انحصاری آن خارج و به مردم، که دارنده اصلی آن میباشند، تعلق گیرد و از این طریق، برای تحقق دموکراسی، از تمرکز قدرت به یک شخص و یا یک نهاد، جلوگیری بعمل آید که به تاسی از همین تمایل، تئوری تفکیک قوا بمیان آمد و پیشنهادهاتی جهت تحقق دموکراسی واقعی، برای مشارکت مستقیم مردم در قدرت سیاسی ارائه گردید که از آنجمله میتوان به نقش و فعالیت گروه های فشار و احزاب سیاسی، بمنظور مشارکت بیشتر و منظم تر مردم در قدرت سیاسی ویا کنترل هیئت حاکمه به حیث عناصر مؤثر در سیستم سیاسی اشاره کرد.
مؤثریت این سازمان ها را میتوان ازیک طرف بخاطر نظارت و کنترل فعالیت های دولت و از طرف دیگر بر اساس ادنولوژی و خط مشی شان جهت تطبیق برنامه های کاری آنها بخاطر احراز قدرت سیاسی مشاهده نمود.

در کشور های دموکراتیک، موجودیت سه ساختار مجزا و مستقل، قابل تفکیک است که در سپهر نظام ملی زیست و فعالیت دارند.
سکتور خصوصی، گروه های فشار و حکومت که هر یک در انجام وظایف شان از استقلال کامل برخوردارند.
گروه های فشار بمثابهٔ جامعهٔ مستقل از حکومت و سکتور خصوصی، تلاش دارد با پل سازی میان حکومت و مردم در کاهش فاصله میان آندو، نقش اساسی بازی نماید.
کمک تأثیرگذار بر روند دولت-ملت سازی، پرورش شهروندان آگاه و مسئول، دادخواهی جهت رفع بی عدالتی، آگاهی دهی و ظرفیت سازی، نظارت بر کارکردهای حکومت و ایجاد هماهنگی میان سکتور های سه گانه، در زمرهٔ خواست های اساسی و آرزوهای بلند گروه های فشار است.

گروه های فشار تحت عناوینی مانند "گروه های فشار"، "گروه های ذی نفوذ"، "جامعه مدنی"، "لابی(نفوذ گذاران)" و حتی "گروه های سیاسی"، مورد مطالعه قرار میگیرند.
گروه های فشار عبارت از جمعیت های سازمان یافته و متشکل است که بدون در نظرداشت حصول قدرت، صرفا برای تأمین منافع گروهی شان فعالیت نموده و از طرُق مختلف بر سیاست و پالیسی های حکومت نفوذ وارد مینمایند.
یا به عبارهٔ دیگر سازمانهای که برای دفاع از منافع خود دست به اعمال فشار بر قدرت عمومی و دولتی میزنند تا تصمیمات آنها را با منافع خود همراه سازند.

گروه های فشار برای شکوفایی خود نیازمند آزادی تفکر، آزادی بیان، آزادی تجمع و کلیهٔ آزادی های تضمین شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر میباشند.
گروه های فشار معمولاً ماهیت سیاسی ندارند، ولی مؤثریت سیاسی آنها غیر قابل انکار است.
هدف آنها اینست که برای دفاع از منافع خود دست به اعمال فشار بر قدرت عمومی و دولتی میزنند تا تصمیمات آنها را با منافع خود همراه سازند.
گروه های فشار برای شکوفایی خود نیازمند آزادی تفکر، آزادی بیان، آزادی تجمع و کلیهٔ آزادی های تضمین شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر میباشند.
گروه های فشار معمولاً ماهیت سیاسی ندارند، ولی مؤثریت سیاسی آنها غیر قابل انکار است.
هدف آنها اینست که

رهبر کشور خود را جنرال صدا می‌زنند؛ البته دادن چنین لقبی به او چندان هم بیراه نیست چراکه خدمت سربازی اجباری در این کشور گاهی به ده سال هم می‌رسد.

عدم حق استفاده از موتر برای رفتن به محل کار!

مردم این کشور برای رفتن به محل کار خود حق استفاده از موتر را ندارند و معمولاً با بایسکل رفت‌وآمد می‌کنند.
استفاده از موتر تنها مختص به بالا رتبه‌های نظامی این کشور است.

هیچ خانواده‌ای حق خواب دیدن ندارد!

پس از پایان کار و فعالیت روزانه، شب‌ها ساعت نه در سراسر کوریای شمالی خاموشی زده می‌شود و به این ترتیب مردم خود را برای یک روز کاری دیگر آماده می‌کنند.
نکته عجیب دیگر این است که در کوریای شمالی هیچ خانواده‌ای حق خواب دیدن ندارد و اگر پدر و مادری صبح از خواب بیدار بشوند و خوابی را که شب قبل دیده‌اند تعریف کنند، فرزند آنها موظف است تا علاوه بر خوابی که والدینش دیده‌اند خواب خود را هم به نمایندب وزارت امنیت ملی کشور که در صنف شان حضور دارد، گزارش دهد.

عدم استقلال رسانه ها!

در کوریای شمالی هیچ رسانه خصوصی دیده نمی‌شود و ۱۲ روزنامه و ۲۰ نشریه موجود در این کشور کاملاً تحت نظر دولت هستند و بی‌آنکه خبرنگاری وظیفه تهیه گزارش‌ها را برعهده داشته باشد، مطالب آنها را خبرهایی تشکیل می‌دهد که هر روز از وزارت امنیت ملی دریافت و دقیقاً همان اطلاعات بدون کوچک‌ترین تغییری منتشر می‌شود؛ در تمام رسانه‌های کوریای شمالی، انتشار هرگونه خبر ناخوشایند در مورد کوریای شمالی در همه زمینه‌ها از سیاسی و اجتماعی گرفته تا اقتصادی و فرهنگی به شدت ممنوع است.
باوجود قحطی و گرسنگی، عدم پذیرش کمک‌های غذایی دیگر کشورها!

با توجه به اینکه دولت مسؤول آذوقه‌رسانی و تهیه مواد لازم به صورت کوپنی در کره‌شمالی است، درآمد ماهانه مردم بسیار ناچیز است؛ در

سال اول ■ شماره هشتم ■ قوس ۱۳۹۵ آفتابی

# گروه‌های فشار یادی نفوذ

<b>گروه های فشار چون تأثیراتی بر سیاست عمومی دارند، بناءً نباید با مفهوم احزاب سیاسی خلط شوند. احزاب سیاسی ساختار هایی اند که در سیاست های کلان، نقش آشکار و حیاتی ایفاء مینمایند، در حالیکه گروه های فشار در محافل و مجالس محدود، از پشت پرده نقش یازی مینمایند</b>
--

بر حکومت و بخش های اداری در سطوح مختلف، فشار آوردن تا اقدامات تقنینی و اداری مورد نظر شان را تأمین و از فعالیت های خلاف منافع آنها جلوگیری صورت گیرد.
گروه های فشار به طور ثابت بخشی از روند سیاسی اند و میکوشند مسیر و راستای سیاست حکومت را تقویت کنند یا تغییر دهند، اما نمیخواهند به عنوان گروه های فشار، حکومت را بدست گیرند.
یعنی دارندگان منافع مشترک در تلاش اند بر جریان امور عمومی تأثیر بگذارند و این تأثیر گذاری از نصب اعضای شان در مقامات رسمی حکومتی و یا از اعمال فشار بر قوه مقننه جهت تصویب قوانینی که با منافع خاص آنها مطابقت داشته باشد، قابل تأمل و مشاهده است.

از توضیحات فوق چنین بر می آید که گروه های فشار متشکل از سه عنصر(سازمان یافتگی، دفاع از منافع و اعمال فشار) میباشند:
سازمان یافتگی: وجود حد اقل سازمان برای تمیز گروه های فشار از گنُش های خود جوش و غیر سازمان یافته، ضروری است تا بتوان حدود و ثُغور گروه های مورد نظر را مشخص کرد.

دفاع از منافع: یک سازمان بی تفاوت، منشأ هیچ اثری نخواهد بود. سازمان باید در پی اهدافش حالت بسیجی اختیار کند و در صدد دفاع از منافع(مادی یا معنوی) و آرمان های خود باشد.

اعمال فشار: یکی از رایج ترین و دیرینه ترین نوع فعالیت های سیاسی، اعمال فشار بر قدرت های موجوده است که انواعی از گنُش های سیاسی از تحت تأثیر قرار دادن وجدان و اخلاق قدرتمندان گرفته تا تهدید و اعتصاب و حتی قتل و ترور را در بر میگیرد.
ساختار، ادنولوژی، فرهنگ سیاسی و بسیاری از عوامل دیگر بر نحوهٔ گنُش گروه های فشار، مؤثر واقع میشود.
در جوامعی که سطح فرهنگ سیاسی و عمومی پائین است، گروه های فشار از هیچ وسیله ای برای رسیدن به هدف خود روگردان نیستند، هُتک حرمت، اتهامات واهی و ورود به حوزه زندگی خصوصی افراد، همه مواردی اند که در جوامع عقب افتاده مورد استفادهٔ گروه های فشار و حتی احزاب سیاسی قرار میگیرند.

علاوه بر سه عنصر متذکرهٔ تشکیل دهندهٔ گروه ها، عده ای از نویسندگان، بر استقلال گروه های فشار، نیز تأکید دارند.
هراکه گروهی تحت تأثیر و زیر نظارت گروه دیگری ویا حزب یا سازمانی قرار داشته باشد، آنرا گروه فشار نه، باید جزء ابزار های اعمال فشار محسوب میگردند.

علاوه بر سه عنصر متذکرهٔ تشکیل دهندهٔ گروه ها، عده ای از نویسندگان، بر استقلال گروه های فشار، نیز تأکید دارند.
هراکه گروهی تحت تأثیر و زیر نظارت گروه دیگری ویا حزب یا سازمانی قرار داشته باشد، آنرا گروه فشار نه، باید جزء ابزار های اعمال فشار محسوب میگردند.

## زندگی روزانه‌ی مردم در کوریای شمالی

بیشتر موارد هم نه کمک‌های دولت و نه درآمد مردم کفاف مایحتاج و نیازهای اولیه آنها را نمی‌دهد و فقر و قحطی بر بسیاری از خانواده‌های این کشور حاکم شده و سالانه چندین هزار نفر از آنها به دلیل گرسنگی جان می‌دهند.

دولت کوریای شمالی با وجود نیازهای شدیدی که به کمک‌های غذایی دیگر کشورها دارد اما به خاطر اینکه معتقد است این غذاها روی طرز فکر مردم اثرات سوء دارد و برای اینکه از آلودگی فرهنگی که نتیجه مصرف این غذاهاست در امان بماند، از پذیرفتن آن سر باز می‌زند.

شدت قحطی و گرسنگی در این کشور به حدی است که سازمان تغذیه جهانی وابسته به سازمان ملل در این‌باره به شدت هشدار داده است.

ممنوعیت ورود هرگونه خبرنگار و عکاس به کوریای شمالی!

مسئولان این کشور نه‌تنها از پذیرفتن هرگونه کمک امتناع می‌کنند بلکه ورود هرگونه خبرنگار و عکاس را هم به کوریای شمالی ممنوع کرده‌اند؛ البته نه‌تنها ورود اصحاب رسانه به این کشور ممنوع است

**مرگ و تیرباران سرنوشت شهروندان تماس گیرنده با تلفن به خارج!**

خروج شهروندان کوریایی هم از کشورشان به شدت کنترل می‌شود و اگر شخصی بخواهد به دنیای بیرون از کره قدم بگذارد به عنوان عامل دشمن دستگیر می‌شود؛ این قانون آنقدر سختگیرانه در این کشور به اجرا درمی‌آید که اگر فردی حتی از طریق موبایل با خارج از کشور تماس برقرار کند، ممکن است سرنوشتی جز مرگ و تیرباران در انتظارش نباشد؛ به عنوان مثال در ماه مارچ امسال یک شهروند کوریای شمالی که در یکی از شرکت‌های نظامی کوریای شمالی مشغول به کار بود با موبایل همراه خود با یکی از دوستانش که در سال ۲۰۰۱ به سنول پایتخت کوریای جنوبی گریخته بود، تماس گرفت و در مورد قیمت برنج و شرایط زندگی در کوریای شمالی با او صحبت کرد؛ این کار او از طرف دولت تخطی از قوانین

کرد. گروه های فشار دارای چهرهٔ پنهان سیاسی اند و گاهی از ورود به صحنه های آشکار سیاسی، شرم دارند. عملکرد این گروه ها چیزی کمتر از سیاسی شدن کامل گروه و چیزی بیشتر از غیر سیاسی شدن آنهاست و با در نظر داشت اوضاع و شرایط، رنگ چهرهٔ سیاسی شان را حفظ و یا از دست میدهند.

گروه های فشار چون تأثیراتی بر سیاست عمومی دارند، بناءً نباید با مفهوم احزاب سیاسی خلط شوند. احزاب سیاسی ساختار هایی اند که در سیاست های کلان، نقش آشکار و حیاتی ایفاء مینمایند، در حالیکه گروه های فشار در محافل و مجالس محدود، از پشت پرده نقش بازی مینمایند. احزاب سیاسی در پی تسخیر قدرت سیاسی اند، حالآنکه گروه های فشار چنین هدفی ندارند. احزاب سیاسی در سیاست، شرکت فعال داشته، زیرا دارای ماهیت سیاسی اند، ولی گروه های فشار بنا به اقتضاتٔ زمان، تحركاتی ترتیب میدهند. نقش سیاسی گروه های فشار را در انتخابات به خوبی میتوان مشاهده کرد. انتخابات مورد توجه این گروه ها قرار دارد و از این طریق میتوانند افراد مورد نظر شان را انتخاب و بر کارگذاری ها و سیاست های حکومت، نفوذ گذارند و حتی قادرند با حمایت و پشتیبانی شان، افرادی را در قوه مقننه جایجا نمایند تا در آینده حافظ منافع گروهی شان بوده و از این طریق بر قوهٔ مجریه نیز تأثیرات شان، قابل مشاهده است.

گروه های فشار در شکل گیری و سوق افکار عمومی، نقش برانزده ای دارند که از طرق مختلف، از جمله تشویق، ترغیب و احساسات، توانایی تغییر عقاید و دیدگاه های مردم را دارا میباشند و در اصل عقاید و افکار عامه را متوجه منافع خود میسازند.

در افغانستان نیز گروه های فشار فعال و هر از گاهی تأثیر گذاری های بر پالیسی ها و کار گذاری های حکومت دارند. قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲ در مواد ۳۴، ۳۵ و ۳۶ خود اشاراتی بر جواز فعالیت و حتی نحوهٔ فعالیت گروه های فشار دارد، که به تاسی از مواد قانون اساسی، قانون جمعیت ها، تصویب و گروه های فشار و ذی نفوذ به فعالیت میپردازند و در صدد تأثیر گذاری بر تصمیم حکومت اند.

گروه های فشار در شکل دموکراتیک حکومت، نقش مهمی دارند و میتوانند با درک مسئولیت و ارائهٔ راهکارهای درست و قانع کننده، جلو تک روی ها و خود کامگی های نظام حاکم را بگیرند که این خود، سبب اصلاحات در نظام و تأمین منافع گروه های ذی نفوذ و حتی مردم، میگردد.

گروه های فشار در شناسایی و ریشه کن کردن بی عدالتی ها، حاکمیت قانون، حکومت داری خوب، دفاع از حقوق محرومین و اقلیت ها، دفاع از برابری حقوق شهروندان و حمایت از آزادی های اساسی، نقش مهم و ارزشمند دارند و موجودیت و فعالیت آنها در درون نظام ها، مؤثر و مفید واقع میشود.

تلفی شد و در نتیجه حکمی جز اعدام برای او صادر نشد. این درحالی است که مدتی بعد خبرگزاری یون‌هاپ، مرگ فرد خاطی به نام جونگ را تایید کرد و گفت این شهروند اولین فرد در کوریای شمالی است که به دلیل تماس با خارج از کشور اعدام شده، اما جزئیات بیشتری از این ماجرا منتشر نکرد.

در کوریای شمالی فقط یک شرکت مخابراتی تلفن همراه که منطقه پایتخت، پیونگ یانگ، را پوشش می‌دهد مشغول به فعالیت است. مشترکان این شرکت مخابراتی حق استفاده از خدمات این شرکت برای تماس با خارج را ندارند. در نتیجه بسیاری از شهروندان کوریای شمالی برای تماس با بستگان و اقوام خود که در خارج از این کشور زندگی می‌کنند از تلفن‌های همراهی که به طور غیرقانونی از چین به کوریای شمالی وارد شده‌اند، استفاده می‌کنند.

شرط ازدواج؛ رضایت وزارت امنیت ملی آری، رضایت خانواده خیر! اگر پسر و دختری در کوریای شمالی قصد ازدواج با یکدیگر را داشته باشند، رضایت خانواده آنها هیچ نقشی در این ازدواج ندارد بلکه این وزارت امنیت ملی این کشور است که صلاحیت ازدواج این دو نفر را صادر می‌کند.

به این ترتیب که هم پسر و هم دختر باید یک گزارش کامل از نحوه آشنایی، میزان علاقه، علت آشنایی و … را به وزارت امنیت ارائه بدهند.

پس از این مرحله و بررسی‌های لازم و شناسایی تمامی اقوام دختر و پسر برای آنها قرار مصاحبه صادر می‌شود و پس از حضور دختر و پسر و پاسخ دادن به سوال‌های خاص اگر مورد مشکوکی دیده نشود، اجازه ازدواج آنها صادر می‌شود.

با تمام این تفاسیر مردم کوریای شمالی از زندگی خود ناراضی نیستند و معتقدند خوشبخت‌ترین انسان‌های روی زمین هستند. آنها فکر می‌کنند که کشورشان پیشرفته ترین کشور دنیا است، گمان می‌کنند که کوریا تنها کشوری در دنیا است که مردمش موبایل دارند. آنها درباره اینترنت چیزی نمی‌دانند.



سال اول ■ شماره هشتم ■ قوس ۱۳۹۵ آفتابی

صاحب امتیاز: حبیب‌الله سرود ۰۷۸۲۱۲۱۸۳۰ / ۰۷۹۵۲۰۷۶۴۴

مدیر مسؤول: یارمحمد یاور ۰۷۰۳۵۰۴۰۹۸ / yawar\_yar@yahoo.com

سر دبیر: نجم‌الدین الهام ۰۷۹۵۸۳۲۳۱۵

ویراستار: سیداحمد ساهر

خبرنگاران: منصور خسرو و شاه‌محمد دهزاد

صفحه‌آرایی: عبدالاحمد احمدی

منبع: مجله انترنتی هفت قلم

چندی پیش Artemy Lebedev ، از فعالان طراحی وب سایت، سفری به کوریای شمالی داشت. او عکس‌های بسیار جالبی در جریان سفرش به این کشور عجیب و غریب گرفته است؛ کشوری که حقیقتا از آن اطلاعات بسیار کمی در دسترس ذهن‌های کنجکاو است.

کوریای شمالی با نام رسمی جمهوری دموکراتیک خلق کره (جمهوری دموکراتیک مردم کوریا)، کشوری است در بخش شمالی شبه‌جزیره کوریا در شرق آسیا. پایتخت و بزرگ‌ترین شهر آن پیونگ‌یانگ است. این کشور از جنوب با کوریای جنوبی، از شمال با جمهوری خلق چین و در زاویه شمال شرقی مرز کوچکی با روسیه دارد.

پس از مرگ کیم ایل سونگ پسرش کیم جونگ ایل رهبری کشور را عهده‌دار شد و از سال ۲۰۱۲ در پی مرگ کیم جونگ ایل رهبری این کشور در اختیار کیم جونگ اون پسرش است.

کوریای شمالی از جمله چند کشوری می‌باشد که شورای حقوق بشر سازمان ملل آنرا به نقض گسترده‌ی حقوق بشر متهم ساخته. سیاستمدارانی که در کره شمالی مورد غضب رهبر این کشور قرار می‌گیرند خیلی زود ناپدید می‌شوند. انتشار خبر اعدام یکی از وزیران این کشور به وسیله‌ی ضدهوایی انتقادات زیادی را برانگیخت هرچند این خبر بطور قطع تأیید نشد.

جمعیت این کشور در برآورد سال ۲۰۰۹ حدود ۲۲ میلیون و ۶۶۵ هزار نفر بوده‌است. میانگین سنی ۳۳۰۵ سال، رشد جمعیت ۰۰۴۲ درصد، میزان تولد ۱۴۰۸۲ در هزار و میزان مرگ ۷۴۹۲ در هزار، جمعیت شهری ۶۳ درصد، مرگ‌ومیر نوزادان ۵۱٫۳۴ نفر در هزار تولد و امید به زندگی ۶۱٫۲۳ سال برای مردان و ۶۶٫۵۳ سال برای زنان و نرخ باروری ۱٫۹۶ کودک برای هر زن است. سطح باسوادی در کشور ۹۹ درصد است. زبان رسمی در این کشور کره‌ای است. به محض رسیدن به میدان هوایی باید موبایل های خود را تحویل دهید، هیچ رومینگی در دسترس نیست. هیچ شخصی با موبایل دیده نمی‌شود. اما استفاده از لپ‌تاپ مشکلی ندارد، به نظر می‌رسد که کوریای ها از کارت‌هایی باخبر نیستند که توانایی تبدیل لپ‌تاپ به موبایل را دارد.

خبری از انترنت نیست، تنها انترانت وجود دارد. انترانت چیزی شبیه انترنت است، اما تنها یک شبکه داخلی است و در یک منطقه تعیین شده کار می کند.

منابع:سایت مردمان/سایت سفر به موفقیت

بود اما از رئیسش متفرج بود. مشککش این بود که استعفا بدهد یا آنجا بماند. به جای اینکه بین این دو مورد انتخاب کند، مشککش را طور دیگری تعریف کرد که چطور شغلش را حفظ کند اما از شر رئیسش هم خلاص شود. او بیوگرافی رئیسش را برای جاهای دیگر فرستاد و برای شغلهای بالاتر برای او وقت مصاحبه گرفت. به این ترتیب رئیسش به شغل دیگری رفت و دوست من در همان شرکت ماند و به مقام قبلی رئیسش ارتقا یافت. می بینید که تعریف هوشیارانه مشکلات نیاز به فکر کردن دقیق دارد.

برای تعریف دوباره مشکلات می توانید از تکنیک های مختلف استفاده کنید. مثلا، از خودتان بپرسید "چرا این فکر را کردم؟" یا "چرا چنین احساسی داشتم؟"

اهداف
وقتی تعریف بهتری از مشکلاتن به دست آوردید وقتش است که مشخص کنید که می خواهید با تصمیمتان چه کاری را انجام دهید.

این قدم را هم اکثر ما اشتباه برمی داریم: به نظرم‌ان اهدافمان کاملاً مشخص و واضح هستند و نیازی به بیان دوباره ندارند. اهداف عنصری هستند که تصمیم ما را هدایت می کنند. مشخص کردن آنها درک ما را از مشکل بهتر می کند و انتظاراتی را برای راه حل های ممکن به وجود می آورد. همچنین به شما کمک می کند وقتی می خواهید مشکلاتان را برای بقیه توضیح دهید آنها را بهتر بیان کنید. پس بشنیدید و اهدافتان را تا حد ممکن شفاف لیست کنید. چرا می خواهید شغلتان را عوض کنید؟ آیا به خاطر ریاستان است؟ شاید می خواهید ساعت کارتان کمتر شود؟ این دلایل را کاملاً واضح بنویسید. اگر اهدافتان به طور طبیعی به ذهنتان نیامد، پشت هم از خودتان بپرسید چرا؟ با این روش می توانید از دیدگاه های مختلف به اهدافتان نگاه کنید.

گروه نویسنده‌گان: میرویس خادم، سلطان‌محمد شمیم، عبدالصمد احمدی، عبدالواحد نایب‌زاده، محمدانور غرچستانی، عبدالعزیز حسینی، محمدنذیر نصرت، صدیق‌الله لامع و وزیر محمدی.

نشانی: شهر فیروزکوه غرب فامیلی‌ها.

نشانی برقی ماهنامه: *hissmonthly@gmail.com*

هیس! در ویرایش و پیرایش مطالب دست باز دارد.

هیس! چشم به راه مقالات شماست و مقالات وارده مسترد نمی‌گردد.

به‌جز «سخن هیس!» و «سرخیل اخبار» مسؤولیت دیگر مقالات به نویسنده‌گان آن‌ها برمی‌گردد.

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

## زندگی روزانه‌ی مردم در کوریای شمالی

وقتی که به کوریای شمالی وارد می‌شوید به شما یک راهنما و یک موتوران اختصاص می‌دهند و همیشه همراه‌تان هستند. شما نمی‌توانید خودتان هتل را ترک کنید. برنامه روزانه شامل ۲ تا ۳ بازدید تفریحی می‌شود. در هتل می‌توانید**BBC** ، چندین شبکه از چین و همچنین شبکه **NTV** روسیه را مشاهده کنید.

مواد سوخت تقریبا وجود ندارد بنابراین بیشتر کارها دستی انجام می‌شود. در شهر روشنایی‌ها ساعت ۱۱ خاموش می‌شوند. شهر در شب ترسناک است. خیری از روشنایی در خیابان‌ها نیست.

تمام «پیونگ‌یانگ» به به شکل قدیمی است. از راهنما درباره خانه‌های قدیمی پرسیدم، او گفت، پیرها دوست ندارند که به خانه‌های جدید بروند، زندگی در این خانه‌ها را می‌پسندند.

در ساحل کوریای شمالی، سیم خاردارهای برق‌دار شده وجود دارند تا از این طریق شهروندان کوریای شمالی فکر شنا کردن به سرشان نزند. و البته شما اجازه عکس گرفتن هم ندارید.

در حدود ۱۰ درصد از جمعیت در ارتش خدمت می کنند. عبور از سرپازان غیرممکن است.

در نزدیکی مرز دو کوریا، جاده برای مقابله با هجوم دشمن آماده است. مکعب‌های بزرگ برای این است که با افتادن به جاده، تانک‌های دشمن را به تله بیندازند.

تنها تبلیغات در کوریای شمالی، تبلیغاتی برای یک موتر است (ساخته شده با همکاری کوریای جنوبی) که آن را تنها در پایتخت خواهید دید.

هر شهروند در کوریای شمالی، نشانی از «کیم ایل سونگ» بر سینه‌ی خود دارد؛ به جز کودکان و خدمتکاران که احتمالا این نشان به دلیل پوشیدن لباس کار مخفی شده است.

شما نمی‌توانید این نشان را خریداری کنید.

همانطور که گفته شد، شما نمی‌توانید آزادانه در کوریای شمالی حرکت کنید. همه جا ایست بازرسی وجود دارد. وقتی که ماشین از ایست بازرسی عبور می‌کند، موتوران چراغ می‌زند. احتمالا به این معنا است که فردی خارجی در حال عبور است.

ویژگی شهرها، نبود موتر است. همه پیاده مسیر را طی می‌کنند، گاهی اوقات از تراموا و اتوبوس‌ها استفاده می‌کنند. دوچرخه نایاب و گران‌قیمت است.

روند ساخت این هتل از سال ۱۹۹۰ متوقف شده است.

روند ساخت این هتل نیز از ۱۹۹۱ متوقف شده است. توصیه شد که

## تصمیم‌گیری؛ گام اول موفقیت

گزینه‌هایتان را لیست کنید

حالا که مشکلاتن کاملاً مشخص شد و اهدافتان را هم تعیین کردید، وقتش است که گزینه هایتان را ارزیابی کنید و تصمیم بگیرید، درست است؟

اما نه به این سرعت. اول باید گزینه ها و انتخاب هایی برای خودتان ایجاد کنید، آنها را گسترش بدهید و امکانات موجود را بررسی کنید. دقت کنید که به هیچ وجه نباید این مرحله را نادیده بگیرید.
درواقع پیدا کردن انتخاب های بیشتر و بهتر خیلی بهتر از آن است که مجبور باشید بین دو گزینه انتخاب کنید.

هیچوقت نباید اولین گزینه ای که به ذهنتان می رسد را انتخاب کنید و یا حتی به دو گزینه هم نباید بسنده کنید.

برای خلق گزینه های جدید باید هرکدام از اهدافتان را در نظر بگیرید و بپرسید"چطور؟" یادتان باشد که گزینه هایتان باید تا می توانید زیاد باشد. برای تصمیمی که می‌خواهید بگیرید، همه انتخاب‌ها و گزینه‌های موجود را لیست کنید، آن را بیرون ذهنتان بکشانید و زمانی را به بررسی هر کدام به تنهایی اختصاص دهید. برای موفقیت بیشتر و پیشبرد بهتر برنامه تصمیم گیری تان پیشنهاد می کنیم که سوالات را بازنویسی کنید.

روان شاسان معتقدند : برای اتخاذ یک تصمیم درست و منطقی مهم این است که سوالات درست بپرسید. هر مشکلی که دارید، سعی کنید آن را به سه یا چهار شکل مختلف بنویسید. اینکه خودتان را مجبور کنید به طرق مختلف به آن مشکل نگاه و فکر کنید باعث می‌توانید بتوانید راهکارهای متفاوتی نیز پیدا کنید.

نتایج

حالا وقت آن رسیده که بالاخره مزایا و فواید هرکدام از گزینه هایتان را ارزیابی کنید و اولین روش انجام این کار این است که

نزدیک عکسی گرفته نشود، البته مشکلی نیست که از فاصله‌ی دور این کار را انجام دهیم!

کوریایی ها عادت دارند در هنگام راه رفتن، دست‌هایشان را در پشت محکم کنند. به ندرت مردان لباس‌های روشن می‌پوشند.

برخی از قوانین عجیب

سکونت مادام العمر در یک محل مگر با اجازه حکومتی!

با وجود اینکه طبیعت کوریای شمالی بسیار زیبا و دل‌انگیز است و تنوع آب و هوایی شگفت‌انگیزی دارد اما مردم این کشور در هر نقطه از این سرزمین که روزگار می‌گذرانند باید تا آخر عمر همان‌جا بمانند و حق خروج از منطقه محل سکونت خود را ندارند و اگر زمانی هوای سفر به سرشان بزند یا بخواهند برای کاری از روستا یا شهر خود خارج شوند، حتما باید اجازه حکومتی داشته باشند، در غیر این صورت قانون را شکسته‌اند و مجازات خواهند شد.

بیدار شدن رأس ساعت شش با صدای شیپوری!

قوانین حاکم بر کوریای شمالی تمامی جوانب زندگی مردم را تحت کنترل قراردادده و بر تمامی بخش‌های زندگی‌شان به نوعی تاثیر گذاشته است.

تقریبا ۵۰ سال است که مردم کوریای شمالی صبح‌ها با نواختن صدای شیپوری که راس ساعت شش به صدا درمی‌آید و از طریق بلندگو در تمام مناطق پخش می‌شود از خواب بیدار می‌شوند.

برنامه های اجباری قبل از آغاز فعالیت های روزانه!

آنها موظف هستند پیش از شروع کار روزانه، در مقابل مجسمه کیم ایل جونگ و پدر او ادای احترام کرده و سر تعظیم فرود آورند. همه مردم کوریای شمالی موظف هستند با لباس‌های رسمی خاص از منزل خارج شوند با علامت مخصوصی روی لباس داشته باشند تا وزارت امنیت ملی این کشور از اینکه چه افرادی در حال عبور و مرور هستند، آگاهی کامل داشته باشد؛ البته کار به همین‌جا ختم نمی‌شود و آنها باید پس از رسیدن به محل کار ده دقیقه‌ای را هم باید وقت بگذارند و به سخنرانی‌های مافوق خود گوش دهند و پس از آن پنج دقیقه علیه دشمنانشان شعار بدهند. پس از انجام تمامی این کارها تازه نوبت آغاز فعالیت روزانه می‌شود و آنها می‌توانند کار خود را شروع کنند.

خدمت سربازی؛ ده سال!

در پیونگ یانگ، پایتخت کوریای شمالی، هر دو ساعت یک‌بار از بلندگوهایی که صدای بسیار قوی‌ای دارند در گوشه‌گوشه شهر مارش نظامی پخش می‌شود تا قدرت جنرال‌های این کشور به رخ همه کشیده شود. آنها بنا بر عادتی دیرینه، کیم جونگ ایل… **ادامه در برگ (۲)**

گروه نویسنده‌گان: میرویس خادم، سلطان‌محمد شمیم، عبدالصمد احمدی، عبدالواحد نایب‌زاده، محمدانور غرچستانی، عبدالعزیز حسینی، محمدنذیر نصرت، صدیق‌الله لامع و وزیر محمدی.

*Monthly Hiss!*

*Political, Cultural, Religious & Social*

1<sup>st</sup> Year, Issue 8, December 2016

[www.hissmonthly.blogfa.com](http://www.hissmonthly.blogfa.com)

### سرخیل اخبار

**رنجرهای عجیب و غریب فیروزکوه**

به باور ما چیزی در پشت فرمان این رنجرها نهفته است؛ چون هر آدم هوشیاری که فرمانش را می‌گیرد، دگه رقم می‌شود… در سرک‌های ناجور فیروزکوه و در تنگ‌ترین کوچه‌ها؛ اصلن تنگ است برای راننده‌های این موترها که آرام بروند، و ما که تا هنوز ندیده‌ایم که رنجری آهسته برود و گرد و خاک را به فرق آدم‌های پیاده پف نکند، و همچنان ندیده‌ایم که عابری بعد از گذشتن این موترها چیزی نگفته باشد. آنچه‌خودم شنیدم که وقتی رنجری می‌گذرد از بین خاک‌ها صداهای این چنینی بر می‌آید:

- بدوان بدوان مال دولت است…
- ایییییییک بم پدر و مادرت…
- سی کن دگه، دزد به جلوشه …
- ایییییییکه به تو بازار غیرت دارین هه …
- فقط سرک از آتش باشه که ایطو فشار داده میره… بی…
- لعنت خدا به همطو حکومت و قانونی

حالا صادقانه بگوئید که شما می‌شنوید و چه می‌فرمایید وقتی که موتری غرقِ خاک و دودتان کند؟

**قالیچه‌های حضرت شاروال**

نظر به خبرهای خبرنگار بی‌خبر ما در این روزها قالیچه‌فروشی درآمد خوبی دارد. خبرنگار ما اظهار داشت که دانشمندان بعد از تحقیقات بسیار زیاد می‌خواستند که رابطه این قالیچه‌ها را با قالیچه‌ی حضرت سلیمان دریابند که سارنوالی مانع این کار شد. خبرنگار ما بعد از یک آه قالیچه‌ای گفت: «ای کاش به جای خبرنگاری قالیچه‌فروشی می‌کردیم!»

**از مرگ هوش تا مرگ موش**

پس از خودکشی چند دختر در ولایت غور والی غور با جمعی از اعضای کمیته منع خشونت علیه زنان طی یک فرمان تلکی فروش مرگ موش را ممنوع قرار داد.

همکاران ما از تمام کسانی‌که خود را می‌کشند خواهش می‌کند که بعد از این خود را با پتروول و ریسمان و تیزاب و این‌چیزها نکشند چون خدای ناخواسته اگر کمیته متذکره خبر شد و خرید و فروش این مواد را هم ممنوع قرار بدهند خود تان فکر کنید که بعد از آن چه خواهد شد؟ شاید هم شما دیگر خودکشی کرده نتوانید و هم ما که زنده‌ایم بدون این مواد زنده‌گی کرده نتوانیم.

سبک و سنگین کردن

اگر تا اینجا بدون اینکه به راه حلی دست پیدا کنید پیش آمده باشید یعنی تصمیمتان بسیار سخت است. همچنین می‌تواند به این دلیل باشد که اهداف متناقضی هم دارید باید به طور جدی بین آنها سبک و سنگین کنید.

همانطور که ممکن است انتظار داشته اید، اینکار به هیچ وجه آسان نیست. انتخاب بین اهداف بی ارتباط مثل این می‌ماند که سیب را با پرتقال مقایسه کنید. با این استثنا که برحسب تعداد اهدافتان، مثل این می‌ماند که سیب را با پرتقال و فیل و پودر ماشین لباسشویی بخواهید مقایسه کنید.

پس قبل از هر چیز وقت بسیار خوبی است که اهدافتان را دوباره بررسی کنید و سعی کنید با تکیه بر اطلاعاتی که تا اینجا جمع کرده اید، به طریقی آنها را ساده تر کنید. اگر باز هم کافی نبود و تصمیم برایتان مشخص نشده بود و نتوانستید با سبک سنگین کردن ذهنی به تصمیمتان برسید، نیاز به یک رویکرد سیستماتیک برای سبک سنگین کردنتان دارید. در چنین رویکردهایی شما نتایج را از هم جدا می‌کنید و به جای مقایسه هر گزینه با بقیه هرکدام را جداگانه سبک و سنگین می‌کنید.

حرف آخر

این فرایند تصمیم گیری شاید به نظرتان پرکار بیاید اما بعد از اینکه چند بار از آن استفاده کردید متوجه می‌شوید که اگر با نظم و دقت هر مرحله را طی کنید چندان وقت گیر نخواهد شد.

یکی از ویژگی های جالب این روش این است که هرکدام از ۵ عنصر به روشن کردن مراحل دیگر کمک می‌کند. وقتی نتایج را بررسی می‌کنید ممکن است به یک هدف جدید برسید یا با سبک و سنگین کردن ها ممکن است مجبور شید که مشکلاتان را دوباره تعریف کنید. این یعنی باید مدام بین مراحل بالا و پایین بروید.